



جایی برای بیرم‌دها نیست –جوبل و اتان کونن - سال ۲۰۰۷

آنتون چگور (خاویر باردو)، تمام اون وقتی که صرف پس گرفتن جزیایی می‌کنیم که از دست دادیم، باعث می‌شه داغون و داغون‌تر بشیم.

آکادمی

محرومیت روازاده



یابک زمانی

نورولوژیست

یابک زمانی، یکی از اعضای هیئت مدیرهٔ سازمان حقوق بشر ایران

یکی از مهم‌ترین اخبار سلامت در هفته گذشته دستورالعمل وزارت بهداشت برای محرومیت کامل و دائم روازاده از کار طبابت در سراسر کشور بود. این حکم فی‌نفسه اهمیت زیادی دارد، اما درباره آن مسائلی چند هست که باید به آنها پرداخت. اهمیت این حکم بیش از محرومیت احتمالی روازاده، در اثر تبلیغاتی آن علیه شبه‌علم در نظرگاه عموم است.

تردیدی نیست که اقبال به طب سنتی و هر آنچه که غیرعلمی است، در کشور ما ریشه در تأیید دولتی و تأسیس نهادهایی دارد که بر اساس قانون در کشور ما در دهه‌های اخیر تأسیس شده‌اند.

بسیاری از تحصیل‌کردگان هم نمی‌توانند بپذیرند در جامعه‌ای با این‌همه مشکلات سلامت، نهادهایی یکسره بی‌ثمر و بدون نتایج اثبات‌شده علمی، قارچ‌گونه سر برآورده باشند؛ بنابراین وسعت نظر را در نوعی عدم سوگیری بین دو شیوه درمان در کشور یافته و در برابر شبه‌علم بی‌طرفی اتخاذ می‌کنند.

محکومیت روازاده که نظراتش فقط از نظر ظاهر غیرقابل‌قبول‌تر به نظر می‌رسند ولی در اصل ریشه در همان زمینه‌های غیرعلمی دارند، می‌تواند ریشه‌های شبه‌علم در اشکال ظاهرالصلاح‌تر و در نتیجه خطرناک‌ترش را هم در اذهان عموم خدشه‌دار کند. درواقع مسئولیت و وظیفه نهادهای پزشکی شامل انجمن‌ها و خود نظام پزشکی فقط همین تأیید و مشروعیت‌بخشی یا تکذیب و سلب مشروعیت در نظرگاه عموم است. وظیفه‌ای که به گمانم تاکنون چندان جدی گرفته نشده و فقط از زاویه تئیه به آن نگریسته شده است. در جایی که همه‌چیز به قضاوت نهایی مردمی بستگی دارد که بسیاری از ایشان تحصیلات دانشگاهی دارند، مخالفت صریح نهادهای مستقل و دانش‌محور و محکومیت قاطع شبه‌علم بیشترین تأثیر در تقویت دانش در کشور را دارد که البته مستلزم نبود کوچک‌ترین تردید در اذهان مسئولان این نهادهاست.

اینکه آیا این محکومیت منجر به قطع فعالیت‌های روازاده خواهد شد یا نه معلوم نیست؛ چراکه کارهای او در قالب پزشکی متعارف که وزارت بهداشت بر آن نظارت می‌کند نیست. معلوم نیست حد و مرز علم و شبه‌علم در کارهایی که سایر پزشکان سنتی انجام می‌دهند، کجاست؟ معلوم نیست تنها روغن حنظل در کرونا بی‌تأثیر است یا اظهارنظرهای رایج درباره طبایع و اخلاط آدمیزاد هم غیرعلمی هستند.

معلوم نیست ملاک اظهارنظر درباره کارهای سنتی و آنچه در دانشکده‌های پزشکی آموخته نمی‌شود، کدام است؟ معلوم نیست غیرپزشکانی که با کار درمان‌های غیرعلمی می‌پردازند، چگونه از کار باز داشته خواهند شد؟ معلوم نیست آیا تنها محرومیت از طبابت (که خودش هم انجام نمی‌دهد) کافی است یا سال‌ها مداخله در کار درمان بیماران مختلف ایجاد عوارض گوناگون و حداقل تأخیر در شروع درمان با سست‌کردن ارتباط طبیب و بیمار هم مستوجب مجازات‌هایی است؟ آیا بدون شاکی خصوصی در جامعه‌ای بدون دولت مدرن فارغ از قاعده چند هزارساله حمورابی به این‌گونه موارد می‌توان ورود و نظارت کرد؟ اگر با این منطق جلو برویم باید پرسید تکلیف با سیستمی که پژوهشکده تأسیس کرد اما چشمان خود را بر آموزش طبیب سنتی که تحویز می‌کند بست، چیست؟ همین امروز تلفن بزنی‌د می‌توانید از یک طبیب سنتی وقت بگیری‌د که شماره نظام پزشکی دارد؛ چگونه می‌توانید مطمئن باشید دستورات او درست و مفید اما روغن حنظل غیرعلمی و مضر است؟

در نهایت چه کسی پاسخ‌گوی اشتغال این همه پزشک تحصیل‌کرده به کارهایی غیرعلمی است؟ آن هم در شرایطی که مهاجرت پزشکان به هر دلیل بیاد می‌کند و خود مسئولان هم به دلیل کمبود پزشک در کار افزایش ظرفیت‌های آموزش پزشکی بدون درنظرگرفتن امکانات کشور هستند.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸ توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ • ۱۸ صفر ۱۴۴۵ • ۴ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۴۲ • ۱۲ صفحه
ادان ظهرتهران ۱۲۰۰۳ • ۱۲۰۰۳ • اذان مغرب ۱۸:۴۷
اذان صبح فردا ۴:۱۲ • طلوع آفتاب ۵:۳۹



● مجموعه تالابی آذینی در جنوب شرقی تنگه هرمز از شگفت‌انگیزترین تالاب‌های گرمسیری کشور است که یکی از نواحی مهم زمستان گذرانی پرندگان در معرض خطر انقراض همچون پلیکان باخاکستری، حواصل خاکستری، اکرت بزرگ و اکرت ساحلی و گیلان‌شاه ابروسفید است. مردم محلی این تالاب هیچ‌گاه پرندگان را شکار نکرده‌اند و پرندگان در امنیت کامل در این تالاب زندگی می‌کنند.

عکس:عرفان سامان فر، ایرنا

آنچه گذشت…

جریان یک عطر دنلنواز



امیر سیدین

دلیل حجم گسترده استادانی که اخراج یا با بازنشستگی اجباری حذف می‌شدند، مورد انتقاد قرار گرفت، رسانه‌های اصولگرا که احتمالا مثل ما بسیار دنبال سرنخی از حذف استادان در دولت خاتمی گشته و نایفته بودند، به انتشار خبری بی‌منبع و بدون نام بسنده کردند که تلاش داشت مخاطباننش را متقاعد کند قبلی‌ها بیشتر از احمدی‌نژاد اخراج کرده‌اند. پرواضح است که اقبالی نیافت و در سایه خبری که علیه خاتمی ساخته و پرداخته می‌شد، گم شد. اما تجربه ثبات شغلی دولت خاتمی برای دانشگاهیان دیگر تکرار نشد و بعد از او دولت محمود احمدی‌نژاد چنان در تصفیه دانشگاه‌ها و اخراج استادان گشاده‌دستی کرد که به آن نام «انقلاب فرهنگی دوم» دادند. همراه سال ۸۴، محمود احمدی‌نژاد دیداری با جمعی از استادان بسیجی دانشگاه‌های کشور ترتیب داد تا خطاب به آنها بگوید «باید فضای دانشگاه‌ها به‌غایت انقلابی و آرمانی باشد. نظام آموزشی و نوع نگاهی که به تولید علم حاکم است، باید عوض شود. بسیج می‌تواند این موضوع را در متن جامعه جاری کند.»

پروژه حذف استادان غیرهمسو با دولت کمی بعد از این حرف‌ها شروع شد؛ هرچند زیرساخت‌های آن با انتصاب چهره‌هایی مثل صدرالدین شریعتی به‌عنوان رئیس دانشگاه علامه طباطبایی و عباس‌علی عمیدزنجانی به‌عنوان رئیس دانشگاه تهران فراهم شده بود. پروژه‌ای که تقریبا هر استاد شناخته‌شده‌ای را که با نظرات دولت احمدی‌نژاد همسو نباشد، شامل شد. چهره‌هایی مانند حسین بشیریه، مرتضی مردی‌ها، ابراهیم باستانی‌پاریزی، محمد ستاری‌فر، محمود سریع‌القلم و بسیاری نام‌های دیگر (که برخی تعداد آنها را بیش از صد نفر اعلام کرده‌اند) حذف و با استادان همسو جایگزین شدند. استادان عمدتا جوانی که یا از دانشگاه‌های گمان‌به دانشگاه‌های بزرگ منتقل شدند یا جزء پیش از ششم هزار نفری بودند که به گفته سرپرست مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم دولت احمدی‌نژاد، به دلیل افزایش ظرفیت ردیف استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، بر کرسی استادی دانشگاه نشستند.

در مقطع دولت روحانی نیز پدیده تصفیه استادان، با یک تفاوت مهم ادامه یافت و آن اینکه عمده اخراج استادان در بازه زمانی دولت روحانی، در دانشگاهی رخ داد که دولت -عملا- نقش چندانی در اداره آن نداشت: دانشگاه آزاد اسلامی. فرهاد رهبر که در دولت محمود

احمدی‌نژاد مدتی معاون رئیس‌جمهور بود و در زمان تولیت سیدابراهیم رئیسی، پست مشاور اقتصادی آستان قدس رضوی را داشت و در ستاد تبلیغاتی ابراهیم رئیسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ هم فعالیت می‌کرد، بلافاصله پس از این انتخابات و در تیرماه همان سال به ریاست دانشگاه آزاد رسید و موج گسترده‌ای از اخراج استادان را آغاز کرد که به تنش‌های بسیاری منجر شد. تنش‌هایی که هرچند برکناری او را در پی داشت، اما اخراج استادان دانشگاه آزاد را متوقف نکرد و این روند ترا روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی همچنان ادامه یافت و به حذف استادانی انجامید که نام‌هایی مانند رضا داوری‌اردکانی، صادق زیباکلام، گوردیز افتخارچهرمی و البته فائزه و فاطمه هاشمی‌رفسنجانی در میان آنها بود.

♦ ♦ ♦

ابراهیم رئیسی حالا در ابتدای راهی ایستاده است

صادرشده توضیح داد: «قاضی مقرر کرد که متهمان در مدت پنج سال تعلیق اجرای مجازات حبس، اولا باید با هماهنگی و نظارت ضابطان وزارت اطلاعات، هر فصل در یک دوره آموزشی اخلاق حرفه‌ای خبرنگاری شرکت کنند و ثانیا در این پنج سال ممنوع‌الخروج بوده و ثالثا ایشان را از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی و وسایل مؤثر در آن و همچنین از ارتباط و معاشرت با افرادی که در رسانه‌های خارجی اشتغال یا ارتباط دارند، منع کرد». دادگاه الناز محمدی، دبیر سرویس اجتماعی روزنامه هم‌میهن، روز ۲۱ مرداد

یادداشت

غائله یک تفکر قبیله‌ای



نغمه دانش آشتیانی

الان چندین هفته است که اتمسفر پیرامون دانشگاه متشنج است. هر چند روز در میان خبری می‌آید که فلان استاد دانشگاه را از تدریس محروم کرده و قراردادش را تمدید نکرده‌اند. به اسامی که نگاه می‌کنی به راحتی می‌توان متوجه شد افرادی که در یک سال گذشته رویکرد انتقادی داشته یا در مقابل اتفاقاتی که برای دانشجویان افتاده است سکوت نکرده‌اند، در مرکز این برخورد‌های سلبی قرار دارند.

حالا در کمتر از دو هفته به شروع مه‌رام و آغاز رسمی کلاس‌های درس دانشگاه، فهرست بلندبالایی از استادان خوب دانشگاه در رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف در دست است که دانشگاه ترم جدید از حضورشان محروم شده است. پیر و جوان هم ندارد. حتی چپ و راست هم ندارد. تا جایی که پرس‌و‌جو کرده‌ام، دانشجویها هم دل و دماغ درستی ندارند؛ برخی از این استادان، چهره‌های محبوب‌شان بوده‌اند؛ چه از لحاظ کیفیت آموزش و چه شرافتی که از یک استاد انتظار می‌رود.

قاعده عقلانی این است که در آستانه بازگشایی نظام آموزشی در پاییز، شرایط و فضایی فراهم باشد که همه با انرژی و امید سر کلاس‌هایشان حاضر شوند؛ چه استاد باشد و چه شاگرد! نه آن استادی که حذفش نکرده‌اند حالا آمیدی برایش مانده است و نه دانشجویی که باید سر کلاس‌هایی برود که استاد‌های واقعی‌اش حذف و با افرادی که سابقه روشن و حتی خوبی ندارند، پر شده است.

به راستی این به‌اصطلاح استاد‌های تازه از راه رسیده که اندیشه، گفتار و کردار برخی از آنها را بیش از این دیده‌ایم، با چه اعتمادبه‌نفسی در محضر شاگردهایشان حاضر می‌شوند؛ جوانانی که پایه‌یاب آگاهی و شجاعت و حتی اطلاعات پراکنده‌شان رفتن، کار هر کسی نیست.

هنوز زمان زیادی از مصاحبه‌های ویدئویی با نفرات برتر کنکور سال ۱۴۰۲ نگذشته است که اغلب‌شان گفته‌اند از همین امروز به مهاجرت فکر می‌کنند که رفتارهای حذفی با استادان واقعی و جانشینی با افراد بعضا سیاسی شدت گرفته است. یعنی یک نفر در آن دستگاه عریض و طویل تصمیم‌گیری نبوده است که بداند این بی‌انگیزگی‌ها ریشه‌اش در همین رفتارهاست؟ حتما بوده است اما گویا جان برای برخی تنگ است؛ همان‌هایی که به قول خودشان اسکل نظام که نیستند.

فلان مجری تلویزیون که بازگشت رضا رشیدپور و رضا گلزار را برنتابید و چنان غائله‌ای به پا کرد که رشیدپور نیامده رفت، به‌واقع حرف درستی زد «مگه ما اسکل نظامیم». او که به گفته خودش، یک سال تلویزیون در اختیار او و همفکرانش بوده است تا صرفا یک سبک زندگی را ترویج کرده و بقیه دیدگاه‌ها را حذف کند، حالا نمی‌پذیرد که این جای فراخ را با کسی تقسیم کند. البته آن مجری فقط یک نفر از قبیله‌ای است که نه می‌خواهد و نه می‌گذارد تفکر دیگری حتی لقمه نانی درآورد.

نظام مقدس که روزی کعبه آمال و عشق انقلابی‌بونی بود که جان خود و فرزندان‌شان را در طبق اخلاص تقدیم آن می‌کردند و به ازای آن چیزی هم طلب نمی‌کردند و اگر هم چیزی تقدیم‌شان می‌شد برافروخته می‌شدند که «عشق است و جان‌بازی»، حالا ابزاری است در دست کسانی که آن را سفره نعمتی می‌بینند که فقط مال خودشان است و کسی هم نباید جایشان را تنگ کند. اینها اگر در سال‌های قبل به این شفافی طلب‌کاری نبودند، این روزها دیگر تعارف را کنار گذاشته و به صراحت می‌گویند «کل این سفره مال ماست».

برگزار شده است.

این حکم بسیاری را به یاد حکمی که برای سعید روستایی، کارگردان سینما، داده شده انداخت. این کارگردان سینما در ایام تعلیق موظف به خودداری از فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی با استفاده از وسایل مؤثر در آن و خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص فعال در عرصه فیلم‌سازی بود؛ همچنین موظف به گذراندن دوره فیلم‌سازی با حفظ منافع ملی و اخلاقی در دانشکده صداوسیما ی قم به میزان ۲۴ ساعت در ایام تعلیق شده است.